و تعدیل کنند ایشان را روز قیامت آن هنگام که بر صدق پیغمبران گواهی دهند و تمامی این سخن عنقریب خواهد آمد محمد حکیم گوید ایشان را
نشو و نما دهد تا نهال حال هر یک در بوستان شرع مجید بکمال رسد و حقیقة آنست که نفوس ایشان را از وفور و ایمان و نقایص پاکیزه سازد و
تا مرتبه تخلق باخلاق الله حاصل توانند کرد بیت نفس پرستان عرب یکسری ، از تو رسیدند بدین سروری إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ
بدرستی که تو توانایی و غالب و قادر بر اجابت دعاء ما و بعث رسول الْحَكِيمُ و دانای محکم کار که حکمت تو مقتضی آن باشد
که این رسول راه نماید عباد را بمصالح معاش و معاد از جمله حکمتهای قرآن آنست که درین آیه ترتیب مراسم نبوت رعایت
چه منزل اول از منازل تبلیغ رسالت آنست که کتاب خدای بر امت خواند و بعد از آن حقایق و معانی کتاب ایشان را بیاموزد
تا دریابند و بدان عمل کنند و از برکت علم و عمل بحکمت رسند و بحکمه پاکیزه گردند و نسق آیه بر همین منوال است پس سبحانه و تعالی جل جلاله
دعا را همه بعز اجابت موصول ساخته حضرت رسالت را صلعم ازین قوم مبعوث گردانید و در حدیث صحیح آمده که انا دعوة ابی ابراهیم و بدین سبب
که فضل از برای حبیب علیهما صلوات الرحمن دعا گفت و این امت را مسلمان لقب نهاد حق تعالی صلوة محمدی را مقترن بصلوة ابراهیمی
گردانید تا متابعان شریعت پیوسته میگویند اللّهم صلّ علی محمد و آل محمد کما صلّیت علی ابراهیم و آل ابراهیم و بدین عاطفه
حق آدمی گذارند و در اخبار آمده که ابراهیم و اسمعیل ساره بعد از فراغ عمارت معالم طواف و زیارت باتفاق هم در ایستاده
حرم آغاز نیاز کردند ابراهیم عم امت محمد را صعد دعا کرد و گفت یارب هر که از پیران امت حبیب تو مر این خانه را طواف کند از زنان
دوزخ آزاد کن از حق خطاب آمد که دعای ترا اجابت کردم اسمعیل عم دست برداشت و گفت الهی هر که از جوانان امت مصطفی
حج این خانه بجای آرد و بوستان بهشت نصیب او گردان این دعا نیز شرف استجابت یافت ساره نیز همین سوال در حق
از زنان امت نمود و بتوقیع اجابت توشیح ایزد تعالی عز شانه پیغمبر خود را صلعم فرمود که چون ابراهیم و آل شما را از حق تعالی
درخواست شما نیز در خواندن تحیات ایشان را دعا کنید تا مراسم حق گذاری بجای آورده باشید که حق تعالی را حق شناسی
و سپاس داری موجب مزید نعمت و دوام آنست ع حق شناسا را خدا نعمت زیادت میکند وَمَنْ يَرْغَبُ استفهام است
بر سبیل توبیخ یعنی کیست که باز گردد یا استبعاد و انکار است یعنی هیچکس باز نگردد عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ از کیش ابراهیم و روش او
إِلَّا مَنْ سَفِهَ مگر کسی که خوار کرداند نَفْسَهُ نفس خود را یا هلاک سازد و یا سفیه و بیخرد باشد در تفسیر حج مفسران گویند آن آیه در باب
مهاجر که برادر زاده عبدالله سلام بود نازل شد و ابن سلام دو برادر زاده داشت سلمه و مهاجر روزی هر دو را باسلام دعوت
گفت ای فرزندان این آن محمد است صلوات الله علیه که ما در توراة میخوانده‌ایم که نبی آخر الزمان راکب الجمل باشد از ولد
قیدار بن اسمعیل نام او احمد که بگرداند امت خود را از طرق باطله براه مستقیم ما ایشان را خلاص مدسلمه طوق اسلام در گردن
نهاد و مهاجر در بادیه هجران سرگردان شد و سخن عم نشنید و خدای تعالی در شان آن بیخرد فرستاد که روی کرد از ملت
ابراهیم که اگر شناسد خود را و در و تفکر کند و از مضمون آیه وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ لجا ره نماید و بفحوای من عرف
نفسه فقد عرف ربه عارف بود بیت آن قوم که خود را نشناسند بتحقیق ، شک نیست که البته خدا را نشناسند در معالم

اورده

آورده که خدای تعالی وحی کرد بداود علیه السلام که نفس خود را بشناس تا مرا بشناسی او گفت یا رب خدایا نفس خود را چگونه بشناسم و ترا بشناسم
تو که از چگونگی مقدسی بچه طریق پی برم خطاب آمد که بشناس نفس خود را بضعف و عجز و فنا پس عارف من شو بقوة و قدرت
و بقا در وسیط آن ابوبکر وراق نقل میکند که هر که نفس خود را بشناسد بر نیو و به که مخلوقیست بی‌حول و قوة و مرزوقی با ضعف
و حیرت خدا را بشناسد بدین صفت که خالقیست با حول و قوة و رازقی با قدرت و منت و در ویشان درین کلمه لطایف بسیار است
و دور نباشد که برخی از ان در مجلس قم ایراد یابد حالا یک رباعی اختصار میرود رباعیه سمع و بصر و علم و حیات و ادراک شد
تعبیه در نهاد این مشتی خاک ، تا چون بجوداند رنگ در خود نظر کند ، اسرار صفات حضرت ایزد پاک وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ و هر آینه برگزیدیم
ابراهیم را فِي الدُّنْيَا درین سرای بکرم و فتوت یا باسلام و نبوت یا عبادت و خلت یا وفا بعهد محبت یا بکلمات یا بعمارت
خانه وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ و بدرستی که او در آن سرای لَمِنَ الصَّالِحِينَ از جمله فیروزی یا شایستگان بصلاح یا با پدران شایسته خود است
از مرسلین در درجات علیین سرزنش میکنند منکران ملت ابراهیم را و خطا و غلط ایشان را ثابت میسازد برای آنکه هر که در رتبه
صفوت باشد درین سرای و مشهود له باستقامت و صلاح در دار البقا سزاوار آنست که متابعت وی کنند از وی روی
نگردانند مگر آنکه بسفاهت موسوم باشد بیت ای دل رخ او بهین جان در عشق ، آخر به ازین کسی کجا خواهی یافت ، اگر روی مصطفی
بیان میکند إِذْ قَالَ لَهُ یاد کن آن وقت مر ابراهیم را که گفت رَبُّهُ آفریننده و پرورده او أَسْلِمْ گردن نه فرمان مرا یا مستقیم
باش بر اسلام یا تسلیم شو بر هر چه از مجاری قضا بر تو جاری گردد یا خالص گردان دین خود را برای من یا از خواهش خود بیزار آی
که هر که ما را خواهد باید که جمله ما را گردد و تا سر رشته از مرادات بشری و معارضات نفسی بتو مانده است از گوشه مضیق کوشش
بساحت عریض کشش نرسی بیت ما را خواهی ز خویشتن دست بشوی ، خود را بگذار و آنگهی ما را جوی قَالَ گفت ابراهیم
أَسْلَمْتُ تسلیم کردم خود را و هر چه مراست سلمی گوید فرمان این بود که خالص گردان سر خود را که موضع اطلاع من است از تو ابراهیم
فرمود که تسلیم نمودم سر خود را لِرَبِّ الْعَالَمِينَ پروردگار عالمیان تا سر را خالص گرداند که سزاوار تر است از من بن اختیار رب
العالمین از جمله اسماء برای وثوق رجاست چه خداوندی که بحکم لطف عام خویش تربیت عالمیان میفرماید مصالح مسلم را ضایع
نخواهد گذاشت بلکه آنچه او را باید و شاید با حسن وجهی آن وجوه میسر و مکمل خواهد ساخت ای درویش ابراهیم را چهار چیز داده بودند
نفس و مال و فرزند و دل ابراهیم عم نفس را در راه او فدای آتش کرد و مال را جهة رضای او بر مسکینان و عاجزان مسلمانان نفقه
نمود و فرزند را برای انقیاد حکم الهی تعالی و تقدس پیش معرض قربان آورد و دل را وقف و ود فا محبت گردانید لاجرم نفس
نفیسش را از کوره آتش نمرودی علیه اللعنة والعذاب چون زر تمام عیار خالص مخلص بیرون آورد و مالش را برکت داد و
صدای دعوة خوان خلیلی بسماع خواص و عوام رسانید تا از زمان آنحضرت تا غایت که قریب بچهار هزار سالست حق سبحانه و تعالی
و تقدس روز بروز را بسته چندین روزی خواران از مائده کرم این سنتهای خویش میرساند و فرزند دلبندش را از ایستاده
صدف گوهر نور محمدی صلوات الله علیه و سلامه گردانید و منظور نظرش را به پیرایه معرفت و زیور خلت پیراسته منظور نظر

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)